

مطالعه تطبیقی اجرای توافقات سهامداران در نظام حقوقی ایران و انگلیس

محمد ساردوئی نسب*

مهرناز مهربابی**

DOI: 10.22096/law.2021.120697.1620

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵]

چکیده

سهامداران به منظور تکمیل مفاد اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی، مجموعه‌ای از توافقات جانبی، مانند توافقات مربوط به شیوه مدیریت شرکت سهامی، نحوه رأی‌دهی در مجامع، شیوه‌های انتقال سهام و امثال آن را در مورد ساختار و عملکرد شرکت سهامی تنظیم می‌نمایند. توافقات جانبی سهامداران، در مقایسه با اسناد شرکتی در شرکت‌های سهامی از خصوصیات و جایگاه متفاوتی برخوردار هستند. باین حال، ارتباط و تأثیرپذیری متقابل این اسناد در عمل غیرقابل انکار است.

به موجب قاعده کلی ماده ۹۷۵ قانون مدنی، برای اینکه توافقات سهامداران قابل اجرا باشد، مفاد آن‌ها نباید قواعد آمره مربوط به قراردادها و شرکت‌های تجاری را نقض نماید. سهامداران طرف توافقات و یا شرکت سهامی در صورتی که طرف توافق قرار گرفته باشد، می‌توانند، اجرای تعهدات ناشی از توافقات را از سهامداران متعهد درخواست نمایند. سهامداران می‌توانند افزون بر ضمانت‌اجراهای قانونی تخلف از تعهدات، ضمانت‌اجراهای قراردادی، مانند مبلغ مقطوع خسارت، تعلیق حق رأی و یا اخراج از شرکت را در توافقات خود پیش‌بینی نمایند. به دلیل فقدان مقرر قانونی در حقوق ایران، سهامداران تکلیفی در افشای توافقات سهامداران نزد اداره ثبت شرکت‌ها ندارند. همچنین، توافقات سهامداران نمی‌تواند به ضرر اشخاص ثالث، مانند سهامداران خارج از توافق، طلبکاران شرکت و یا دولت مورد استناد قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توافقات سهامداران؛ اجرا؛ قواعد آمره؛ اشخاص ثالث.



مقدمه

توافقات سهامداران از ابزارهای قراردادی شناخته شده‌ای است که در حقوق کشورهای مختلف مورد اقدامات تقنینی قانون‌گذار قرار گرفته‌اند. این توافقات به منظور تکمیل قوانین و مقررات موضوعه و برای بهبود عملکرد شرکت‌ها و گاه با هدف حمایت از حقوق سهامداران تنظیم می‌شود. توافقات سهامداران تمهیداتی است که خارج از چهارچوب اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی سهامداران تهیه می‌گردد. ماهیت و جایگاه توافقات سهامداران در شرکت با ماهیت و جایگاه اسناد قانونی شرکت (اساسنامه و مصوبات مجامع) متفاوت است. در اینجا لازم است به عنوان مقدمه، به برخی از خصوصیات و ویژگی‌های اسناد قانونی شرکت و تفاوت‌های آن‌ها با توافقات سهامداران اشاره نمایم.

اساسنامه شرکت به عنوان نظام‌نامه‌ای تعریف شده است که روابط بین شرکت و سهامداران، حقوق و تعهدات شرکت و سهامداران در مقابل یکدیگر، حدود اختیارات مدیران و دیگر ارکان شرکت را بر طبق قوانین و مقررات تعیین می‌نماید.^۱ اساسنامه شرکت نوعی خاص از قرارداد تلقی می‌شود. با این حال، اصلاح و تغییر اساسنامه شرکت تنها به وسیله مجامع عمومی سهامداران و با رعایت مقررات قانونی معتبر است. همچنین، اثر الزام‌آور اساسنامه نیز به طور تفکیک‌ناپذیری با سهام شرکت مرتبط است. در نتیجه، اشخاص با خرید سهام شرکت، به مفاد اساسنامه شرکت متعهد می‌گردند، حتی اگر مخالف مفاد اساسنامه شرکت بوده و یا از مفاد اساسنامه شرکت بی‌اطلاع باشند. آثار ناشی از نقض تکالیف ناشی از اساسنامه نیز بیشتر از آنکه ریشه قراردادی داشته باشد، در مقررات شرکت‌های سهامی پیش‌بینی شده است.^۲

سهامداران شرکت در زمان حیات شرکت سهامی و تا قبل از ختم تصفیه می‌توانند در مجامع عمومی سهامداران شرکت کنند و با رعایت مقررات قانونی مصوبات مورد نظرشان را تصویب نمایند. در مجامع عمومی سهامداران، قاعده تصمیم‌گیری با اکثریت آراء اجرا می‌شود؛ بدین معنی که مصوبه اتخاذ شده به وسیله اکثریت سهامداران برای کلیه سهامداران حتی سهامداران مخالف لازم‌الاجراست. مصوبات مجامع عمومی سهامداران عمل شرکتی برشمرده می‌شود که شرایط اعتبار آن در مقررات قانونی پیش‌بینی می‌گردد.^۳

سهامداران گاه به منظور تکمیل اسناد شرکتی، به تحریر توافقات تکمیلی متوسل می‌گردند و شروطی را در زمینه مهم‌ترین مسائلی که تشکیل و یا حیات شرکت ایجاب می‌کند، در توافقات

۱. نک: صقری، ۱۳۹۳: ۸-۸۷.

2. See: Mock, Csach & Havel, 2018: 8-20; Payne, 2016:5.

3. See: Mock, Csach & Havel, 2018: 30.

خود پیش‌بینی می‌نمایند. این توافقات تکمیلی به توافقات سهامداران و یا توافقات جانبی موسوم گردیده‌اند. توافقات سهامداران بین طرفین آن‌ها تعهدات قراردادی ایجاد می‌کند که طفره رفتن از اجرای آن‌ها به حکم ماده ۲۲۱ قانون مدنی مستلزم جبران خسارت از سهامدار زیان‌دیده است.^۱ همچنین، تخلف از تعهدات قراردادی در توافقات سهامداران ممکن است ضمانت‌اجراهایی را که سهامداران در توافقات خود پیش‌بینی کرده‌اند، به دنبال داشته باشد.^۲

توافقات سهامداران و اسناد قانونی شرکت در دو دنیای کاملاً مستقل و موازی ایجاد می‌شوند که هرکدام قواعد مخصوص به خود را دارد. با این حال، نمی‌توان ارتباط نزدیک بین این اسناد را نادیده گرفت. با توجه به موقعیت سهامداران در شرکت، موضوعاتی که در توافقات سهامداران مطرح می‌گردد از امور مربوط به شرکت سهامی خارج نیستند؛ بنابراین در عمل ممکن است این‌گونه توافقات اسناد شرکت را تکمیل نمایند، با آن همپوشانی داشته باشند و یا اینکه به شیوه دیگری بر این اسناد اثرگذار باشند.

در مقررات داخلی برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، مفهوم توافقات سهامداران، آثار و نتایج خاص این توافقات پیش‌بینی شده است. با این حال، در برخی دیگر از کشورها مانند کشور انگلیس و ایران، مقررات مشخصی در مورد توافقات سهامداران وضع نشده است. قانون شرکت‌های مصوب ۲۰۰۶ انگلیس توافقات سهامداران را به‌طور خاص مورد بحث قرار نمی‌دهد. پاره‌ای از موارد این قانون (مواد ۸۲۰ الی ۸۲۴) تلویحاً به جواز انعقاد این‌گونه توافقات به‌وسیله سهامداران اشاره دارد. با این حال، دکترین و رویه قضایی کشور انگلیس توافقات سهامداران را معتبر می‌داند و شرایط اجرای این توافقات را مشخص کرده است.^۳

در حقوق ایران، به‌رغم استقبال سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از توافقات سهامداران، تاکنون مقرر قانونی خاصی درباره توافقات سهامداران پیش‌بینی نشده است. سهامداران شرکت به‌موجب اصل آزادی قراردادی (ماده ۱۰ قانون مدنی) و با در نظر داشتن محدودیت‌های پیش‌بینی شده در مقررات قانون مدنی و قانون تجارت، توافقات تکمیلی در خصوص امور مربوط به شرکت را تنظیم می‌نمایند. در حقوق ایران، دیدگاه سنتی و محافظه‌کارانه بسیاری از قضات ایرانی به ساختار شرکت‌های سهامی و مقررات حاکم بر این شرکت‌ها موجب شده است تأثیر اراده سهامداران در تغییر ساختار حاکمیتی شرکت‌ها محدود تلقی گردد. در نتیجه، به‌رغم حکومت اصل آزادی

۱. نک: صقری، ۱۳۹۳: ۴۶۰.

2. See: Mock, Csach & Havel, 2018:8-20; Gruodyté, 2015: 26; Khamidullina, 2016: 1; Payne, 2016: 9-11.

3. See: Miliauskas, 2013: 2-121.

قراردادی در توافقات سهامداران، چهارچوب این توافقات و سرنوشت نهایی آنها (اجرای آنها) در رویه قضایی ایران همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در این مقاله، سعی بر این است که ضمن مطالعه تطبیقی حقوق انگلیس، راه‌حلهایی برای رفع خلأهای موجود در حقوق ایران در زمینه اجرای توافقات سهامداران ارائه گردد. برای رسیدن به این هدف، مقاله پیش رو در سه بخش اصلی ارائه می‌گردد: بخش نخست، بررسی قوانین و مقرراتی که سهامداران برای لازم‌الاجرا بودن توافقات سهامداران باید رعایت نمایند؛ بخش دوم، به آثار متقابل توافقات سهامداران و دیگر اسناد شرکت در هنگام اجرا می‌پردازد و بخش سوم آثار اجرایی توافقات سهامداران را نسبت به طرفین این‌گونه توافقات و اشخاص ثالث بررسی می‌نماید.

۱. لزوم رعایت قوانین حاکم بر توافقات سهامداران

۱-۱. قوانین و مقررات مربوط قراردادهای

اصل کلی در حقوق قراردادهای این است که توافقات منعقدشده بین اشخاص، معتبر تلقی می‌گردد، مگر اینکه توافقات قواعد و مقررات آمره، نظم عمومی و یا اخلاق حسنه را نقض نمایند.^۱ و^۲ در حقوق ایران، یکی از قواعد آمره‌ای که طرفین در هنگام تنظیم قرارداد مکلف به رعایت آن هستند، ماده ۱۹۰ قانون مدنی است. به موجب این مقرر قانونی: «برای صحت هر معامله شرایط این اساسی است: ۱. قصد طرفین و رضای آنها؛ ۲. اهلیت طرفین؛ ۳. موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴. مشروعیت جهت معامله».

بدین ترتیب، طرفین هر معامله‌ای مکلف‌اند موضوع توافق خود را تعیین نمایند. در توافقات سهامداران نیز مانند هر توافق دیگری لازم است موضوع تراضی مشخص گردد. با توجه به جایگاه سهامداران در شرکت سهامی، موضوعات مورد توافق سهامداران الزاماً باید با شرکت و سهام آن و یا حقوق و تکالیف سهامداران در مقابل یکدیگر یا در مقابل شرکت مرتبط باشند.^۳

در توافقات سهامداران، مرسوم است که ایجاد و یا خاتمه برخی از تعهدات، وابسته به تحقق حادثه خارجی که وقوع آن برای سهامداران طرفین توافق مشخص نیست، معلق می‌گردد؛ به‌عنوان مثال سهامداران در توافقات خود فروش تعداد مشخصی از سهام را به قیمت معین در صورت تحقق حادثه معینی در آینده پیش‌بینی می‌نمایند. نظام حقوقی انگلیس بر اعتبار چنین

۱. نک: ۱۰ و ۹۷۵ قانون مدنی.

2. See: Molano, 2008: 248; Molano, 2006: 37.

3. See: Miliauskas, 2013: 114-115.

شروطی صحه می‌گذارد.^۱ اعتبار این شروط در اصول حقوق قراردادی اروپایی نیز پذیرفته شده است. با این حال، در صورتی که ایجاد و یا خاتمه تعهدات موضوع توافقات سهامداران به اراده یکی از طرفین توافق وابسته گردد و این وابستگی به اندازه‌ای زیاد باشد که انجام تعهد را سست گرداند، در این صورت توافق قراردادی انجام شده باطل محسوب می‌گردد.^۲

در نظام حقوقی ایران بر اساس قواعد کلی قراردادها، پیدایش اثر توافقات سهامداران و یا خاتمه آن، می‌تواند معلق به شرط تعلیق گردد. با این حال، شرط تعلیق در توافقات باید این خصوصیات را داشته باشد: این شرط باید از جنس اوضاع و احوال خارجی باشد که وقوع آن حادثه در آینده مشخص نبوده، و تحقق آن وابسته به اراده طرف مقابل نباشد.^۳ در حقوق ایران، همانند حقوق انگلیس در جایی که زمان انجام تعهد به شخص متعهد واگذار می‌شود، ذات تعهد دگرگون می‌شود و خاصیت الزامی بودن آن از بین می‌رود. در این صورت، شرط ضمن توافق معتبر نخواهد بود.^۴

موضوع دیگری که در حقوق ایران باید بدان توجه داشت این است که شروط فرعی توافقات سهامداران زمانی قابلیت اجرایی دارد که از نظر ظاهری در وقوع آن‌ها تردیدی وجود نداشته باشد و دست‌کم شرایط قانونی ذکر شده در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی برای صحت شرط موجود باشد. با توجه به مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی، هر شرطی که در ضمن توافقی درج می‌گردد باید مشروع باشد، خلاف مقتضای عقد نباشد و در نهایت، جهل به آن منتهی به جهل به عوضین قرارداد نگردد.^۵

مشروع بودن شروط ضمن توافقات سهامداران بدین معنی است که سهامداران نمی‌توانند برخلاف مقررات آمره در زمینه شرکت‌ها توافق نمایند. به عنوان نمونه، سهامداران شرکت‌های سهامی نمی‌توانند برخلاف ماده ۲۴۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت تراضی کرده و پاداش اعضای هیئت‌مدیره را در شرکت سهامی مازاد بر ده درصد سود قابل تقسیم در همان سال تعیین نمایند. ماده ۲۴۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت در این باره مقرر می‌دارد: «با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است برای پاداش هیئت‌مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از پنج درصدی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود، تجاوز کند».

1. See: Peel, 2007: 8-67.

2. See: Lando & Beale, 2000: 33-229.

۳. نک: کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۴-۱۱۳.

۴. نک: شهیدی، ۱۳۹۵: ۲۲۴.

۵. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳-۱۶۱-۵.

همچنین، توافق بر پرداخت سود ثابت یا سود معادل سود بانکی به سهامداران شرکت نیز برخلاف مقتضای ذات عقد شرکت و اوصاف بنیادین شرکت تجاری و قاعده مجاز نبودن تقسیم سود محقق نشده است. بدین ترتیب، به موجب مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی باطل و غیرقابل اجرا خواهد بود.

ممکن است سهامداران در ضمن توافقات خود شروطی در خصوص ممنوعیت معاملات و یا فعالیت‌های متضمن رقابت با شرکت را پیش‌بینی نمایند که با رعایت پاره‌ای از شرایط، شروط یادشده در نظام‌های حقوقی انگلیس و ایران معتبر و قابل اجرا خواهند بود.

در رویه قضایی انگلیس، قاعده کلی اعتبار شروط محدودکننده رقابت است. دادگاه عالی انگلیس در پرونده «داونی دی علیه دالفن»^۱ اعلام داشت منافع مشترک طرفین در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک می‌توانند از طریق شروط محدودکننده، مانند شرط عدم رقابت مورد حمایت قرار گیرند. دادگاه تجدیدنظر در همین پرونده سابقاً اعلام نظر کرده بود که برای اعتبار توافقات محدودکننده باید منافع مشروعی از هر نوع قابل تصور باشد. همچنین، تعهد محدودکننده بیش‌ازحد مورد نیاز برای حمایت از آن منفعت، تعهداتی را برای طرف مقابل ایجاد ننماید.^۲

در نظام حقوقی ایران، به موجب ماده ۱۳۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های سهامی و مدیرعامل از انجام معاملات متضمن رقابت با عملیات شرکت منع گردیده‌اند. بر اساس مقرره قانونی یادشده، مدیر یا مدیران متخلف مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود. تکرار ماده ۱۳۳ لایحه اصلاحی در توافقات سهامداران انعکاسی از مقرر قانونی است و از نظر عملی بی‌فایده خواهد بود. لذا برای کارایی بیشتر مقرره قانونی یادشده، سهامداران می‌توانند برای جبران خسارات وارده، مبلغ وجه التزام یا خسارت قراردادی مقطوع را پیش‌بینی نمایند.

همچنین، با توجه به عدم وجود منع قانونی و به‌منظور حمایت از منافع شرکت و سهامداران، می‌توان ممنوعیت معاملات رقیب و به‌طور کلی شروط محدودکننده را برای کلیه سهامداران اعم از اعضای هیئت‌مدیره و دیگران پیش‌بینی کرد. بالاین حال، با توجه به قواعد عمومی مربوط به شروط قراردادی مستفاد از بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، موضوع شروط محدودکننده رقابت در توافقات سهامداران باید معین و متعارف باشد. به عبارت روشن‌تر، نوع فعالیت محدودشده، قلمرو جغرافیایی و مدت آن به‌طور دقیق مشخص شده، همچنین محدوده شرط معقول و متعارف باشد.

1. Dawney Day & Co. Ltd and another v D'Alpen and other. [1998] I.C.R.1068.

2. See: [1998] I.C.R.1068, 1107.

گفته شد که موضوع توافقات سهامداران عموماً ناظر بر عملکرد شرکت سهامی و حقوق و تکالیف سهامداران آن است. لذا برای اینکه توافقات سهامداران قابل اجرا باشد، طرفین افزون بر رعایت قواعد عمومی قراردادها باید مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی را رعایت نمایند. در مبحث آتی به قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های سهامی می‌پردازیم.

۲-۱. قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی

طرفین توافقات سهامداران با مجموعه گسترده‌ای از قوانین و مقررات در زمینه حقوق شرکت‌ها روبه‌رو هستند که بیان قانون‌گذار در غالب آن‌ها جنبه آمرانه دارد. قانون‌گذار در شرکت‌های سهامی بیشتر از اینکه به منفعت فرد توجه داشته باشد، مصلحت وی را در منفعت جمع می‌بیند و برخلاف قصد و اراده سهامداران، قواعد و مقرراتی را برای مدیریت، نظارت و بازرسی امور شرکت وضع می‌نماید.^۱

قانون‌گذار با انگیزه‌های مختلفی در حوزه شرکت‌های سهامی به وضع مقررات می‌پردازد؛ از جمله دلایل مداخله قانون‌گذار تسهیل چانه‌زنی‌ها و حمایت از شخص ضعیف‌تر در زمانی است که محدودیت‌هایی مانند عدم دسترسی به اطلاعات، عدم تخصص کافی و یا عدم تساوی در قدرت معاملاتی بین طرفین وجود دارد.^۲

قانون‌گذار گاه برای مقابله با تعدی به حقوق سهامداران و جلوگیری از سوءاستفاده از سهامداران اکثریت مقرراتی را وضع می‌نماید. همچنین، در جایی که به علت وابستگی متقابل سهامداران و دیگر ذینفعان توافق، آثار نامطلوبی بر حقوق اشخاص ثالث ایجاد می‌نماید، قانون‌گذار به منظور دستیابی به برخی از ایدئال‌های اجتماع و به منظور برقراری تعادل در روابط سهامداران و دیگر ذینفعان مداخلاتی می‌نماید.^۳

مداخله قانون‌گذار در وضع مقررات مربوط به سهام، مدیریت شرکت سهامی، شرایط تشکیل مجامع عمومی سهامداران و نحوه رأی‌دهی در آن‌ها، شرایط تأمین مالی شرکت و پرداخت سود به سهامداران به‌خوبی دیده می‌شود. لحن قانون‌گذار در غالب مقررات یادشده حکایت از آمه و تخلف‌ناپذیر بودن مقررات یادشده دارد که تخلف از آن‌ها، توافقات سهامداران را باطل و غیرقابل اجرا می‌گرداند. با توجه به گسترده بودن موضوعات توافقات سهامداران، طرفین توافق باید مجموعه‌ای گسترده از مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی را رعایت نمایند. در اینجا، به‌منظور

۱. نک: کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲/ ۲۶-۷.

2. See: Payne, 2016: 14.

3. See: Payne, 2016: 14.

جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها به برخی از مقررات مهم در خصوص مدیریت شرکت‌های سهامی و رأی‌دهی در مجامع عمومی اشاره می‌نماییم.

در حقوق انگلیس، بر اساس تصمیم برخی از دادگاه‌ها، سهامدارانی که به سمت مدیریت شرکت اشتغال دارند، نمی‌توانند وظایف قانونی‌شان در خصوص تکلیف به ارتقا و موفقیت شرکت و تعهد به قضاوت بی‌طرف را به‌وسیله توافق با دیگر سهامداران محدود نمایند. همچنین، بر اساس بخش ۱۷۷-۱۷۰ قانون شرکت‌های مصوب ۲۰۰۶، مدیران شرکت‌های سهامی نمی‌توانند در توافقنامه سهامداران متعهد شوند به طریقی رأی دهند که به نفع یکی از طلبکاران و یا یکی سهامداران شرکت باشد.

نمونه‌ای که در رویه قضایی انگلیس ارائه شده پرونده «کروگر علیه هولینز»^۱ است. در این پرونده، قاضی انگلیسی به صراحت اعلام کرد که مدیران شرکت سهامی نمی‌توانند به‌وسیله توافق خصوصی حق تصمیم‌گیری به تشخیص و صلاح‌دید خود را به نفع گروهی خاص از سهامداران شرکت محدود نمایند. همچنین، قاضی دادگاه افزود که مدیران شرکت‌های سهامی از نادیده گرفتن منافع کلی سهامداران و تصمیم‌گیری به نفع سهامدارانی که آن‌ها را انتخاب کرده‌اند، منع شده‌اند.^۲

در برخی از کشورهای حقوق کامن‌لا، می‌توان آرای با دیدگاه مخالف را ملاحظه کرد که در آن‌ها مدیران شرکت به تصمیم‌گیری به نفع انتخاب‌کنندگانشان مجاز دانسته شده‌اند. در پرونده «لویین علیه کلارک»، دادگاه استرالیایی اعتقاد داشت مدیرانی که برای عضویت در هیئت‌مدیره به‌وسیله شرکت مرتین انتخاب شده بودند، می‌توانستند پس از اثبات تقصیر شرکت راهن به نفع شرکت مرتین تصمیم‌گیری نمایند.^۳ برخی از حقوقدانان این کشور به تفسیر این رأی پرداخته و رأی دادگاه را این‌گونه تفسیر می‌نمایند که سهامداران می‌توانند با توافق اجماعی، تکالیف امانی مدیران را کاهش دهند، لیکن ایشان نمی‌توانند مدیران شرکت‌های سهامی را مجاز گردانند تا دست به اقداماتی بزنند که برای آسیب رسانیدن و تخریب کسب‌وکار شرکت و لطمه وارد ساختن به حقوق اقلیت طراحی شده باشد.^۴

در حقوق ایران، از روح مقررات حاکم بر لایحه اصلاحی قانون تجارت، به‌ویژه مقررات مربوط به حقوق و تکالیف مدیران استنباط می‌گردد که مدیران شرکت سهامی به‌مثابه وکیل شرکت سهامی تلقی می‌شوند.^۵ بدین ترتیب، مکلف‌اند تکالیف امانی خود در مقابل شرکت را به‌درستی

1. Kregor v Hollins [1913] 109 L.T.225

2. See: Duffy, 2008:23.

3. See: [1962] NSW 686.

4. See: Duffy, 2008:4-23.

انجام داده، در جهت تضمین منافع شرکت گام بردارند.^۱ بنابراین، راه حل مشابه حقوق انگلیس در حقوق ایران قابل اجراست و سهامداران شرکت نمی‌توانند، توافق کنند مدیران شرکت تنها در جهت منافع سهامدارانی که آن‌ها را انتخاب کرده‌اند، تصمیم‌گیری نمایند.

از توافقات مرسوم بین سهامداران، توافقات مربوط به رأی‌گیری در مجامع عمومی است. حق شرکت و رأی‌دهی در مجامع عمومی سهامداران از حقوق مهمی است که قانون‌گذار در حقوق کشورهای مختلف برای صاحبان سهام پیش‌بینی کرده است. سهامداران ممکن است به دلایل مختلف، مانند حفظ توازن قدرت در شرکت و یا حمایت از حقوق سهامداران اقلیت، توافقاتی را در خصوص نحوه رأی‌دهی در مجامع بین خودشان تنظیم نمایند؛ به‌عنوان مثال در توافقات مربوط به ادغام آراء، سهامداران کنسرسیوم اخذ رأی ایجاد می‌نمایند و بر اساس آن توافق می‌کنند قبل از رأی‌دهی در مجامع عمومی سهامداران به‌طور مستقل با یکدیگر دیدار کرده، درباره نحوه رأی‌دهی در مجمع عمومی تصمیم‌گیری نمایند.^۲

سهامداران در پاره‌ای از موارد، از تجمیع آراء و یا توافقات مربوط به رأی‌گیری یک گام فراتر می‌روند و افزون بر توافقاتی که نحوه چگونگی اعمال حق رأی در خصوص برخی از موضوعات را مشخص می‌کند، قراردادهای نمایندگی را تهیه می‌نمایند. ایشان به‌وسیله قراردادهای نمایندگی، اختیار رأی‌دهی خود را به یک یا چند سهام‌دار دیگر و یا شخص یا اشخاص ثالث واگذار می‌کنند. دلیل این اقدام سهامداران این است که از اجرای حق رأی به‌وسیله شخص نماینده، با توجه به شرایط توافق بدون هرگونه تأخیر و تردیدی اطمینان حاصل گردد.^۳

در حقوق انگلیس، توافقات مربوط به اعمال حق رأی از طریق اعطای نمایندگی بلاعزل به یکی از طرفین قرارداد سهامداران یا شخص ثالث معتبر است. در این صورت، شخص نماینده می‌تواند به نیابت از همه سهامدارانی که به وی نمایندگی داده‌اند، بر اساس مفاد توافق انجام‌شده، در مجامع سهامداران تصمیم‌گیری نماید. در حقوق این کشور، تصمیم‌گیری شخص نماینده به‌مثابه انصراف شخص اصیل از اعمال حق رأی تلقی می‌گردد.^۴

در حقوق ایران، ماده ۱۰۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به‌صراحت حضور وکیل یا قائم‌مقام قانونی صاحب سهم را به‌منزله حضور صاحب سهم می‌داند. ماده ۱۰۲ لایحه

۱. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲ / ۸-۶۷.

2. See: Mock, Csach & Havel, 2018:32.

3. See: Molano, 2008: 235; Molano, 2006: 21.

4. See: DeMott, 2008:516; Miliukas, 2013:117.

اصلاحی قانون تجارت مقرر می‌دارد: «در کلیه مجامع عمومی حضور وکیل یا قائم‌مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی به شرط ارائه مدرک وکالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است». با توسل به مقرر یادشده، صاحب سهام می‌تواند حق حضور و رأی‌دهی خود در مجامع را از طریق شخص نماینده به مرحله اجرا گذارد.

با توجه به عدم وجود منع صریح قانونی در حقوق ایران، یک شخص واحد (سهامدار و یا غیر سهامدار) می‌تواند از سوی تعداد بی‌شماری از سهامداران شرکت، وکالت در حضور و تصمیم‌گیری در مجامع عمومی را کسب و در جهت منافع مشخصی رأی‌دهی کند. این موضوع می‌تواند تالی فاسدهای متعددی را به دنبال داشته باشد. لذا برخی از مؤلفان حقوق تجارت معتقدند بهتر است آزادی بی‌حد و حصر شخص نماینده محدود گردد.^۱

با توجه به اطلاق ماده ۱۰۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت، در حقوق ایران امکان اعطای نمایندگی بلاعزل برای حضور و رأی‌دهی در مجامع عمومی سهامداران وجود دارد. اعطای نمایندگی بلاعزل برای شرکت در کلیه مجامع عمومی سهامداران در حقوق ایران، مشابه نهاد ترتیبات امانی مربوط به رأی‌دهی در مجامع^۲ در حقوق خارجی است. وکیل بلاعزل، مانند شخص امین کلیه حقوق مربوط به رأی‌دهی شخص مالک سهام را مطابق با حدود اختیارات خود به مرحله اجرا می‌گذارد؛ درحالی‌که منافع اقتصادی سهام همچنان به شخص موکل (مالک سهام) پرداخت می‌گردد.

برخی از کشورها، مانند کشور آلمان اعطای نمایندگی بلاعزل برای شرکت در مجامع عمومی در مقابل دریافت عوض مشخص را از مصادیق قرارداد خرید رأی می‌دانند و به علت تجاوز به اخلاق حسنه،^۳ غیر معتبر می‌دانند. در کشور آلمان، قاعده کلی ترجیح دادن منافع شرکت بر منافع شخصی به وسیله سهامداران است.^۴

در حقوق ایران، با توجه به اطلاق ماده ۱۰۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت، اعطای نمایندگی برای حضور در مجامع و رأی‌دهی می‌تواند به صورت معوض و یا رایگان صورت پذیرد.

۱. نک: صقری، ۱۳۹۳: ۵۸۷.

2. Voting Trusts.

3. Good Morals.

4. See: Mock, Csach & Havel, 2018:34.

۲. آثار متقابل توافقات سهامداران و اسناد قانونی شرکت

گفته شد که هدف از توافقات سهامداران جایگزین کردن اسناد شرکتی نیست، بلکه این توافقات به منظور تکمیل اسناد قانونی شرکت و بهبود عملکرد شرکت تنظیم می‌گردند. باین حال در عمل، اختلاف و تضاد و یا همپوشانی توافقات سهامداران و اسناد شرکتی امری غیرقابل اجتناب است.

در حقوق انگلیس، تعارضات موجود بین شروط توافقات سهامداران و مفاد اساسنامه شرکت معمولاً به وسیله درج شرط صریحی در توافقات سهامداران حل و فصل می‌گردد. مرسوم است که توافقات سهامداران پیش‌بینی می‌شود که در صورت بروز هرگونه اختلاف، تعهدات توافقات سهامداران اولویت خواهد داشت، یا اینکه ممکن است شرط تضمین‌کننده دیگری در توافقات سهامداران پیش‌بینی گردد با این مضمون که حق رأی باید به شیوه‌ای اعمال شود که اساسنامه شرکت را با توافقات سهامداران سازگار نماید. شرط یادشده به عنوان یک موضوع قراردادی بین طرفین توافق که درعین حال سهامدار شرکت نیز هستند، معتبر است. در حقوق انگلیس، توافقات اجماعی سهامداران که به شکلی مفاد اساسنامه شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید به عنوان یک سند اساسی^۱ نزد خانه شرکت‌ها ثبت گردند.^۲

در فرض ناسازگاری توافق سهامداران با مفاد اساسنامه، نویسندگان حقوق کامن‌لا بر این باورند که به عنوان قاعده اولیه اساسنامه و توافق سهامداران، دو سند معتبر ولیکن متعارض فرض می‌شوند. در صورتی که دعوای شخص مدعی بر مبنای اساسنامه شرکت و مقررات قانونی طرح شده باشد، توافق‌نامه سهامداران در جریان رسیدگی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در غیر این صورت، دادگاه به آخرین اراده طرفین توجه می‌نماید. آخرین اراده سهامداران ممکن است از توافقات سهامداران و یا هر یک از اسناد قانونی شرکت استنباط گردد.^۳

بررسی اجمالی آراء دادگاه‌ها در انگلیس نشان می‌دهد که نظر دادگاه‌ها متمایل به اعتبار بخشیدن به توافقات سهامداران و اجرای این توافقات است. یکی از پرونده‌هایی که دادرس دادگاه اولویت را به تعهدات قراردادی سهامداران داده و توافقات سهامداران را بر محتویات اساسنامه حاکم دانسته است، پرونده «بریتیش موراک سیندیکیت علیه آلپرتون رابر کمپانی»^۴ است.

1. Constitutional.

2. See: Mock, Csach & Havel, 2018:257.

3. Duffy, 2008: 8-9.

4. (British Murac Syndicate Ltd. v Alperton) Rubber Company Ltd. [1915] 2 Ch. 186.

موضوع این پرونده از این قرار بود که به موجب توافقات سهامداران مقرر شده بود خواهان تا زمانی که تعداد معینی از سهام شرکت خوانده را داراست، بتواند دست کم دو نفر از مدیران شرکت را انتخاب نماید. مقررات مشابهی نیز در اساسنامه شرکت خوانده پیش بینی شده بود. با این وصف، شرکت خوانده متعاقباً از انتخاب مدیران به وسیله خواهان ممانعت کرد و قصد داشت با تغییر مفاد اساسنامه حق انتخاب مدیران را از خواهان سلب نماید. پس از طرح دعوی از سوی خواهان، دادرس دادگاه دستوری موقت مبنی بر ممنوعیت تغییر محتویات اساسنامه را به منظور جلوگیری از نقض تعهدات قراردادی صادر کرد.^۱

در پرونده دیگری که موضوع آن مشابه دعوی بریتیش موراگ است، قاضی دیگری رویکردی متفاوت را اتخاذ کرد. در پرونده «سوترن فوندریز علیه شیرلا»^۲ دادگاه بر این باور بود که شرکت می تواند به رغم منع توافق سهامداران شروط اساسنامه خود را تغییر دهد و نمی توان دستور موقت مبنی بر جلوگیری از تغییر مفاد اساسنامه را صادر کرد. همچنین، شرکت بر اساس تعهدات قراردادی خود حق قانونی خود مبنی بر تغییر مفاد اساسنامه را محدود نمی کند، بلکه در صورت تغییر مفاد اساسنامه تنها ملزم به پرداخت خسارت خواهد بود.

رای مجلس اعیان در پرونده راسل علیه نورترن بانک^۳ نشان دهنده جدیدترین رویکرد دادگاه های انگلیس به چگونگی رفع تعارض بین توافقات سهامداران و اساسنامه شرکت است. مجلس اعیان در این پرونده به وضع قاعده ای متفاوت پرداخت و اعلام داشت هر نوع تعهد قراردادی که بر اساس آن شرکت متعهد به عدم تغییر مفاد اساسنامه اش شود، باطل تلقی می گردد. با این حال، نکته با اهمیت در رای مجلس اعیان این است که مجلس اعیان بین توافقات بین سهامداران از یک سو و توافقات بین شرکت و سهامداران از سوی دیگر تفاوت قائل شده است. به باور مجلس اعیان، به رغم ممنوعیت تعهد مستقیم شرکت به عدم تغییر مفاد اساسنامه، تعهد شخصی سهامداران که در عمل ممکن است منتهی به عدم تغییر اساسنامه شرکت شود، معتبر تلقی می گردد.^۴

از آنچه بیان شد، می توان نتیجه گیری کرد که در حقوق انگلیس، تناقضات بین توافقات سهامداران و اساسنامه شرکت باعث نامعتبر شدن توافقات سهامداران نمی شود، بلکه دادگاه های انگلیس تا حد ممکن در جهت جمع این دو سند و کشف قصد واقعی طرفین می کوشند. همچنین، شخصی را که شروط توافق سهامداران را نقض کرده است، به پرداخت خسارت مکلف می گردانند.

1. [1915] 2 Ch. 186, 193-5.

2. Southern Foundries (1926) Ltd. v Shirlaw. [1940] A.C. 701, 740.

3. Russell v Northern Bank Development Corporation Ltd. [1992] W.L.R. 588.

4. See: Duffy, 2008:5.

در حقوق ایران، مقررات موضوعه، رویه قضایی و دکترین حقوقی در خصوص رفع تعارضات موجود بین توافقات سهامداران و اساسنامه شرکت حکمی ارائه نمی‌نمایند. به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد، توافق بین سهامداران بیانگر آخرین اراده طرفین است و نمی‌توان به راحتی به آن بی‌توجه ماند. همچنین، اصل صحت در معاملات ایجاب می‌کند تا حد ممکن از بی‌اعتبار دانستن قراردادهای اجتناب نماییم. با این حال، اهمیت اساسنامه به عنوان سند تأسیس شرکت را نیز نمی‌توان دور از نظر نگاه داشت. با این وصف به نظر می‌رسد، بتوان با به کارگیری قاعده عقلی «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» (عمل به هر دو دلیل بهتر از کنار گذاشتن و عمل نکردن به آن‌هاست)، همانند راه حل ارائه شده در حقوق انگلستان، قصد و اراده واقعی طرفین را از مجموع اساسنامه شرکت و توافق سهامداران کشف کرد.

۳. آثار اجرایی توافقات سهامداران

۳-۱. آثار اجرایی توافقات سهامداران نسبت به طرفین

طرفین توافقات سهامداران در توافقات خود، مکانیسم‌هایی را برای مقابله با سوءاستفاده و تخلف دیگر سهامداران و در نهایت، اجرای هرچه مؤثرتر توافقات سهامداران پیش‌بینی می‌نمایند. سهامداران می‌توانند ضمانت‌اجراهای متنوعی را برای شروط درج شده در ضمن توافقات سهامداران در نظر گیرند؛ به عنوان نمونه طرفین توافقات سهامداران می‌توانند ضمانت‌اجراهای مالی و پرداخت خسارت، تعلیق حق رأی و یا اخراج از شرکت را در تمهیدات قراردادی خود پیش‌بینی نمایند. در صورت عدم پیش‌بینی ضمانت‌اجرای ناشی از تخلفات در توافقات بین سهامداران، راهکارهای مبتنی بر قواعد عمومی قراردادها در خصوص شخص متخلف اعمال می‌گردد.

در حقوق انگلیس، اجبار متعهد به اجرای عین تعهد به عنوان یک قاعده اولیه پذیرفته شده است. با این حال، قضات انگلیس زمانی در خصوص اجرای عین تعهد حکم صادر می‌نمایند که موضوع تعهد از اموری باشد که امثال آن را نتوان در بازار پیدا کرد و یا عملی باشد که نتوان آن را به وسیله شخصی غیر از شخص متعهد انجام داد. همچنین، اجرای عین تعهد هنگامی به جای پرداخت خسارت مورد حکم قرار می‌گیرد که اجرای عین تعهد بتواند به صورت کامل تری اجرای عدالت را تضمین نماید.^۱

توافقات سهامداران در خصوص رأی‌دهی در مجامع عمومی از جمله مواردی است که قضات انگلیسی در هنگام احراز تخلف قراردادی، به منظور جبران خسارت از شخص زیان‌دیده حکم به

اجرای عین تعهد صادر می‌نمایند. یکی از آراء صادره در این خصوص، رأی صادره در پرونده «پودفات علیه لیث»^۱ است. در این پرونده، خواننده دعوی در آخرین مجمع عمومی سهامداران برخلاف دستورالعمل مندرج در توافقات سهامداران رأی داده بود و بر اعمال حق رأی مستقل خود در مجامع آتی اصرار داشت. دادگاه در حکم خود، خواننده دعوی را به رأی‌دهی بر اساس دستورالعمل مندرج در توافقات سهامداران محکوم کرد.^۲

در حقوق ایران، قاعده اولیه این است که طرفی که با خودداری سهامدار دیگر از انجام تعهدات قراردادی مواجه می‌شود، نمی‌تواند قرارداد سهامداران را فسخ نماید، بلکه در صورت خودداری از انجام تعهد، باید سهامدار متخلف را به حکم ماده ۲۳۷ قانون مدنی به انجام تعهد اجبار گرداند. در صورت امتناع سهامدار متخلف و یا عدم امکان اجرای تعهد به وسیله وی، مسئولیت جبران خسارت به موجب حکم ماده ۲۳۹ قانون مدنی بر سهامدار متخلف ثابت می‌گردد.^۳

ماده ۱۰۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت قانون‌گذار در خصوص رأی‌دهی در مجامع عمومی، قید مباشرت سهامدار را شرط نکرده است، لذا در صورت تخلف از توافقات مربوط به رأی‌دهی در مجامع، در مرحله نخست سهامدار متخلف اجبار می‌گردد. در صورت عدم امکان اجبار متخلف، سهامدار ذینفع می‌تواند شخصاً و یا به وسیله دیگری در مجمع حضور یابد و حق رأی را بر اساس دستورالعمل مندرج در توافقات سهامداران به مرحله اجرا گذارد. با این حال، در صورتی که امکان تصویب مصوبه وجود نداشته باشد، مانند موردی که پس از پایان جلسه و اتخاذ تصمیم نهایی فایده‌ای برای سهامدار ذینفع متصور نیست. در این صورت، سهامدار زیان‌دیده می‌تواند خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را از شخص متخلف مطالبه نماید.

با این حال، صدور حکم در خصوص جبران خسارت مالی بر اثر نقض تکالیف ناشی از توافقات سهامداران همواره کار ساده‌ای نیست. در بیشتر موارد، اثبات ورود خسارت و تعیین میزان خسارت وارد شده به شرکت و یا سهامدار آن دشوار است. در نتیجه، درج شرط پرداخت خسارت و تعیین مبلغ وجه التزام در صورت تخلف از تعهدات قراردادی، راه‌حلی مؤثر و مطلوب برای حل مشکلات یاد شده به شمار می‌آید.

در حقوق انگلیس بر اساس قاعده کلی، وجه التزام درج شده در توافقات سهامداران باید شرایط زیر را داشته باشد: یکم اینکه پیش‌بینی دقیق و مشخص خسارت ناشی از تخلف از قرارداد

1. Puddephatt v Leith [1916] 1 Ch. 200,202.

2. See: Duffy, 2008:4-13.

۳. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۳/۳۹۰.

امکان‌پذیر نباشد. دوم اینکه، وجه التزام با قصد پیش‌بینی واقعی خسارت اعلام شده باشد. سوم اینکه، وجه التزام تعیین‌شده تخمینی متعارف از میزان خسارت واقعی برشمرده شود که بتوان در واقعیت به آن عمل کرد.^۱

در حقوق ایران، به‌موجب قاعده کلی منعکس‌شده در ماده ۲۳۰ قانون مدنی، سهامداران شرکت سهامی می‌توانند در خصوص ضمانت‌اجرای تخلف از تعهدات قراردادی مندرج در توافقات سهامداران، مبلغ مقطوع خسارت را پیش‌بینی نمایند. در این صورت، دادگاه نمی‌تواند به بهانه نامتناسب بودن میزان وجه التزام با خسارت وارده، مبلغ وجه التزام را کاهش یا افزایش دهد. ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی را به‌عنوان خسارات تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است، محکوم کند».

درنهایت اینکه، ضمانت‌اجرای تعلیق حق رأی در مجامع عمومی سهامداران، می‌تواند به‌عنوان ضمانت‌اجرای تخلف از تعهدات ناشی از توافقات سهامداران بر سهامداران تحمیل گردد. در هنگام پیش‌بینی تعلیق حق رأی به‌عنوان ضمانت اجرا، لازم است فرایند اعمال تعلیق، دوره تعلیق و موضوعاتی که حق رأی‌دهی در مورد آن‌ها مورد تعلیق قرار می‌گیرد، تصریح گردند.^۲

با این حال، اساسنامه شرکت برای درج ضمانت‌اجرای تعلیق حق رأی سند مناسب‌تری محسوب می‌گردد؛ زیرا به علت ماهیت ترکیبی (قانونی و قراردادی) اساسنامه، شرکت و کلیه سهامداران آن در برابر شرط درج‌شده در اساسنامه متعهد خواهند بود. عیب درج این شروط در اساسنامه شرکت این است که اجرای قاعده اکثریت در شرکت‌ها و اصلاح اساسنامه شرکت، ممکن است مانع اجرای بعدی ضمانت‌اجرای تعلیق حق رأی گردد.^۳

در حقوق برخی از کشورها، درج ضمانت‌اجرای اخراج اجباری از شرکت، در نتیجه تخلف از برخی از تعهدات ناشی از توافقات سهامداران پذیرفته شده است. با این حال، حقوق برخی از کشورهای دیگر مانند حقوق اتریش، خروج اجباری سهامدار از شرکت را یکی از وسیع‌ترین مداخله‌ها در اموال سهامدار به شمار آورده و قابل مقایسه با مصادره می‌داند. لذا در این کشور گفته شده است که این راه‌حل قراردادی باید به‌عنوان آخرین راه‌حل در قرارداد پیش‌بینی گردد.^۴

1. See: Mattei, 1995:436-535; Gomtsian, 2012: 8-14.

2. See: Birkmose, 2019:7.

3. See: Birkmose, 2019:7.

4. See: Mock, Csach & Havel, 2018: 164.

۳-۲. آثار اجرایی توافقات سهامداران نسبت به اشخاص ثالث

به موجب اصل نسبی بودن قراردادهای، توافقات سهامداران تنها برای کسانی که اراده آن‌ها در ایجاد این گونه توافقات نقش داشته باشد تعهدآور است و هیچ گونه حق و یا تعهدی برای کسانی که خارج از این توافقات باشند، ایجاد نمی نماید. با این وجود، این توافقات مانند هر پدیده اجتماعی دیگری واجد آثار خارجی هستند که طرفین آن‌ها می توانند به وجود توافق و آثار آن در مقابل اشخاص ثالث استناد نمایند، بی آنکه بخواهند اشخاص ثالث را در رابطه قراردادی شان دخالت دهند. ضمن اینکه اشخاص ثالث نیز می توانند به آثار توافق شکل گرفته بین سهامداران به نفع خود استفاده کنند و از آن بهره مند شوند.^۱ در حقوق کامن لا، قضات دادگاه‌ها در هنگام بررسی قابل اجرا بودن توافقات سهامداران، تأثیر توافقات را بر حقوق اشخاص ثالث (مانند طلبکاران شرکت، دولت و سهامدارانی که طرف توافقات نیستند) در مدت قرارداد و همچنین هدف اصلی از انعقاد توافق را مورد توجه قرار می دهند.^۲

در حقوق ایران، با توجه به عدم وجود نص در مورد توافقات سهامداران، سهامداران طرف این گونه توافقات تعهدی به افشای توافقات سهامداران به شرکت و یا هرگونه نهاد خارجی، مانند اداره ثبت شرکت‌ها ندارند. در نتیجه، این توافقات به مثابه قرارداد پنهانی می مانند که برخلاف اساسنامه شرکت، مفاد آن برای اشخاص ثالث افشاء نمی گردد و محرمانه باقی می ماند.

مفهوم قرارداد پنهانی در ادبیات حقوقی ایران را برای نخستین بار، استاد مبرز حقوق ایران، دکتر کاتوزیان مطرح کرد. ایشان پس از پرداختن به احکام قانونی مندرج در مواد ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹ قانون تجارت و مواد ۱۱۸ و ۲۱۰ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت چنین نتیجه گیری می نماید که موارد قانونی یاد شده جنبه استثنایی ندارند و مصادیقی از یک قاعده عام هستند. بدین ترتیب به عنوان یک قاعده کلی، قراردادهای پنهانی نمی تواند به ضرر اشخاص ثالث با حسن نیت که از مفاد آن قراردادها اطلاعی ندارند، مورد استناد قرار گیرد.^۳

بدین ترتیب، توافقات سهامداران نیز مانند دیگر توافقات پنهانی، نمی تواند به ضرر اشخاص ثالث با حسن نیت که از مفاد این گونه توافقات مطلع نیستند، مورد استناد قرار گیرد. جدا از استدلال‌های مربوط به توافقات پنهانی، احکام قانونی موجود در مواد ۱۱۸ و ۲۱۰ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت را می توان به طور خاص در مورد توافقات سهامداران جاری کرد.

۱. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳/۳۱۳.

2. See: Molano, 2008: 247; Molano, 2006: 36.

۳. نک: کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳/۳۴۰-۳۴۳.

ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت مقرر می‌دارد: «... محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی، تنها از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است» بر اساس مقررہ اخیر، محدودیت‌های ایجادشده به وسیله اساسنامه و یا مصوبات مجامع عمومی سهامداران در روابط بین شرکت و سهامداران دارای اعتبار است و تنها اشخاص اخیر می‌توانند جبران خسارات وارده را از مدیران خاطی مطالبه نمایند و به منظور حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیت، این گونه محدودیت‌ها در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نخواهد بود.^۱

پیش‌تر اشاره شد که جایگاه و ویژگی‌های توافقات سهامداران با اسناد شرکتی (اساسنامه و مصوبات مجامع) متفاوت است. با این حال، به راحتی می‌توان ادعا کرد که عنصر اراده سهامداران در هر سه مورد موجود است. لذا می‌توان حکم قانونی مندرج در ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ را با گرفتن وحدت ملاک در مورد توافقات سهامداران نیز اجرا کرد.

ماده ۲۰۸ لایحه تجارت جدید با اعمال تغییراتی در ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت بیان می‌دارد: «مدیر یا مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم را برای تصمیم‌گیری درباره اداره شرکت دارند، جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم درباره آن‌ها در صلاحیت خاص مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده است. محدود کردن اختیارات مذکور به موجب اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی تنها در روابط بین مدیر یا مدیران و شرکت معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست». در لایحه تجارت جدید قید عدم آگاهی اشخاص ثالث برای غیر قابل استناد بودن توافقات محدودکننده اختیارات مدیران به صراحت پیش‌بینی شده است.

برخلاف ماده ۲۰۸ لایحه تجارت جدید، ظاهر ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت تاب این تفسیر را دارد که توافقات محدودکننده اختیارات مدیران در مقابل هر دو گروه اشخاص ثالث ناآگاه و همچنین اشخاصی که به طریقی ممکن است از وجود این توافقات و مفاد آن‌ها آگاهی کسب کرده باشند، باطل و کأن لم یکن محسوب شوند. چنین تفسیری با منطبق و اصول حقوقی سازگار نیست. لذا ماده ۱۸ لایحه تجارت جدید با اضافه کردن قید «ناآگاه» به اشخاص ثالث مشکل اخیر را تا حدودی مرتفع ساخته است. با این حال، اصل بر عدم اطلاع اشخاص ثالث است. همچنین، احراز اطلاع و آگاهی اشخاص ثالث در عمل با مشکلاتی همراه خواهد بود.

گام مثبت دیگر، ماده ۱۰۸ لایحه جدید قانون تجارت استعمال مناسب اصطلاح «قابلیت استناد» به جای واژه‌های «باطل و کان لم یکن» است. بدیهی است که اصل بر صحت توافق انجام‌شده در خصوص محدود ساختن اختیارات مدیران است و زمانی می‌توان توافقات انجام‌شده را باطل دانست که شرایط قانونی مذکور در ماده ۱۹۰ قانون مدنی باشند. بدین ترتیب، استفاده از اصطلاح «عدم قابلیت استناد» به جای واژه «بطلان» از نظر اصول حقوقی صحیح بوده و اقدامی قابل تقدیر است.

درنهایت اینکه، ماده ۲۱۰ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در خصوص انحلال شرکت و یا به تعبیر بهتر، اقاله قرارداد شرکت به صراحت مقرر می‌دارد: «انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد، درباره اشخاص ثالث بلا اثر است». ماده اخیر نیز همانند ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت، توافق و تراضی سهامداران را مادامی که جنبه پنهانی داشته باشد و به اشخاص ثالث اعلان نگردد، فاقد اثر می‌داند. البته ارجح این بود که واژه غیر قابل استناد به جای واژه بلا اثر مورد استفاده قرار می‌گرفت. در اینجا نیز عنصر اراده سهامداران حاضر است؛ هر چند اعلام اراده در قالب و شکل مصوبه مجمع عمومی فوق العاده سهامداران ظاهر می‌گردد. در نتیجه، می‌توان با گرفتن وحدت ملاک، حکم این ماده را نیز در مورد توافقات سهامداران که عنصر سازنده آن‌ها نیز رضایت و اراده سهامداران است، اجرا کرد.

در حقوق انگلیس، مانند حقوق ایران توافقات سهامداران تنها برای طرفین مستقیم قرارداد موقعیت حقوقی جدیدی ایجاد می‌نماید و این‌گونه توافقات برای منتقل الیه سهام یا سهامداران جدیدالورود و یا کسانی که مخالف تنظیم چنین توافقاتی بوده‌اند، الزام‌آور نیست.^۱ در حقوق انگلیس، توافقی که همه سهامداران شرکت و یا دسته خاصی از سهامداران به آن رضایت داده و مقرر کرده باشند که توافق به‌وسیله اکثریت خاصی از سهامداران تصویب گردد، باید نزد خانه شرکت‌ها ثبت شود و در اختیار عموم قرار گیرد. همچنین، بر اساس بخش ۲۱ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلیس، شرکت‌ها مکلف‌اند مشخصات مالکین ذینفع نهایی و کنترل‌کنندگان شرکت را نگهداری و در خانه شرکت‌ها ثبت نمایند.^۲ درنهایت اینکه، در حقوق انگلستان توافقاتی مانند توافقات مربوط به نحوه رأی‌دهی در مجامع سهامداران و یا انتصاب مدیران شرکت که در شروط اساسنامه تغییراتی را ایجاد می‌نمایند، الزاماً باید افشاء شود و در اختیار عموم قرار گیرد.^۳

1. See: Andenas & Ueda, 2007:138.

2. See: Siems, 2008: 5-54.

3. See: Mads, 2007: 150.

نتیجه گیری

در مجموع، با توجه به آنچه بیان شد، می توان نتیجه گیری کرد به رغم اهمیت فوق العاده توافقات سهامداران در تجارت امروزی، قانون گذار ایرانی، مقررات قانونی معینی را که ناظر بر شرایط تشکیل توافقات سهامداران و اجرای آنها باشد، پیش بینی نکرده است. هم اکنون، در حقوق ایران مانند حقوق انگلیس، به منظور قابل اجرا بودن توافقات باید قواعد آمره مربوط به قراردادهای شرکت های سهامی در هنگام تنظیم توافقات سهامداران مدنظر طرفین قرار گیرد. پیشنهاد می گردد در لایحه جدید قانون تجارت با الهام گیری از حقوق خارجی، مواد قانونی مشخصی به شرایط تشکیل، محتویات و اجرای توافقات سهامداران اختصاص یابد.

ماهیت و جایگاه توافقات سهامداران و اسناد شرکتی با یکدیگر متفاوت است. با این حال، به دلیل مشترک بودن موضوعات طرح شده در این اسناد، در عمل ممکن است تعارض، اختلاف و یا هم پوشانی بین اسناد یاد شده ملاحظه گردد. در این صورت، قاعده کلی در حقوق انگلیس و حقوق ایران کشف اراده واقعی طرفین و حفظ اعتبار توافقات سهامداران با در نظر داشتن جایگاه اساسنامه در شرکت سهامی است.

در حقوق ایران و انگلیس، آثار توافقات سهامداران تنها دامن گیر سهامداران طرفین این گونه توافقات و یا شرکت سهامی (در صورتی که شرکت نیز طرف توافق قرار گرفته باشد) می گردد. این گونه توافقات به ضرر اشخاص ثالث، مانند سهامداران خارج از توافق، طلبکاران شرکت و یا دولت قابل استناد نخواهند بود. در حقوق ایران با توجه به عدم وجود نص قانونی، سهامداران تکلیفی به افشای این گونه توافقات نزد مرجع ثبت شرکت ها ندارند. در حقوق انگلیس سهامداران مکلف اند در موارد خاص قانونی توافقات خود را به خانه شرکت ها ارائه و برای عموم افشاء نمایند. در حقوق انگلیس، توافقاتی مانند توافقات مربوط به نحوه رأی دهی در مجامع سهامداران و یا انتصاب مدیران شرکت که تغییراتی را در شروط اساسنامه ایجاد می نمایند، الزاماً باید افشاء شود و در اختیار عموم قرار گیرد.

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱. فارسی

- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۸)، حقوق تجارت، ج ۱، چاپ بیست و هشتم، تهران: دادگستر.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۹۰)، حقوق تجارت، ج ۲، چاپ بیست و هشتم، تهران: دادگستر.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۵)، حقوق مدنی، آثار قراردادها و تعهدات، چاپ هفتم، تهران: مجد.
- صفری، محمد (۱۳۹۳)، حقوق بازرگانی شرکتها، ج ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عیسای تفرشی، محمد (۱۳۹۵)، مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تربیت معلم - مرکز نشر آثار علمی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، چاپ سوم، تهران: انتشارات سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، عقود معین (مشارکت‌ها، صلح)، ج ۲، چاپ نهم، تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات)، چاپ هشتم، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۳)، «آثار اعمال حقوقی مدیران و مدیرعامل شرکت‌های سهامی پس از انقضای دوره مدیریت ایشان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۶۷، صص ۱۹-۵۴.
- صادقی نشاط، امیر (۱۳۹۵)، «اعتبار محدودیت اختیارات مدیران و مدیرعامل شرکت‌های سهامی: نقد رویه قضایی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، پاییز ۱۳۹۵، دوره ۲۰، شماره ۸۰، صص ۴۵-۷۳.
- الف-۲. لاتین

- Andenas, Mads – Junko, Ueda (2007). “Shareholders’ Agreements, Some EU and English Law Perspectives”, *TSUKUBA Law Journal*, pp. 135-154.
- Birkmose, Hanne S., Sergakis, Konstantinos (2019). *Enforcing Shareholders’ Duties*, Cheltenham: Edward Elgar Publishing.

- DeMott, Deborah A. (2008). "Irrevocable Proxies", *Australian Law Journal*, Vol.82, Duke Law School Legal Studies Paper, Paper No. 206, pp. 516-520.
- Duffy, Micheal J. (2008). "Shareholders Agreements and Shareholders' Remedies: Contract versus Statutes", *Bond Law Review*, Vol. 20, No. 2. pp. 1-27.
- Lando, Ole & Hugh Beale (2000). *The Principles of European Contract Law, Part 1: Performance, Non-Performance and Remedies*, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.
- Mattei, Ugo (1995). "The Comparative Law and Economics of Penalty Clauses in Contracts", *The American Journal of Comparative Law*, Vol. 43, Issue No. 3, Summer 1995, pp. 427-444.
- Miliauskas, Paulius (2013). "Shareholders' Agreements as a Tool to Mitigate Corporate Conflicts of Interests", *International Journal of Private Law*, Vol. 6, No. 2, pp. 109- 131.
- Mok, Sebastian, Csach, Kristian and Havel, Bohumil (2018). *International Handbook on Shareholders' agreements: De Gruyter Handbook*, Berlin/Boston: Walter de Gruyter GmbH.
- Molano-León, Ricardo (2008). "Shareholders' Agreements in Close Corporations and their Enforcement in the United States of America", *Vniversitas. Bogotá (Colombia)*, Vol. 117, pp. 219-252.
- Pasban-Mohammad Reza (2014). "Effects of Legal acts of Managers and Managing Directors of Joint-stock Companies after Termination of Term of Their Management", *Judicial Law Views Quarterly*, autumn 2014, No. 67, pp. 19-54.
- Payne, Jennifer (Hanne Birkmose, ed) (2016). *Contractual Aspects of Shareholders' Duties: Shareholders' duties*, Netherland: Kluwer.
- Peel, Edwin, (2007). *Treitel on the Law of Contract*, London: Sweet & Maxwell.
- Sadeghi e Neshat, Amir (2016). "Validity of limitation of Power of Managers and Managing Directors in Joint Stock Companies: "Critique of Judicial Procedure", *Journal of Business Research Quarterly*, autumn 2016, Vol. 20, No. 80, pp. 45-73.
- Siems, Mathias M. (2008). *Convergence in Shareholder Law*, Cambridge: Cambridge University Press.

الف-۳ پایان نامه‌ها

- Gomtsian, Suren, (2012). The Enforcement of Shareholders' Agreements: Comparative Analysis of English and Russian Law, Master's Thesis, Tilburg University.
- Gruodyté, Ingrida (2015). Can Shareholders' Agreement be one of the Measures to Avoid Conflicts of Interests between Minority and Majority Shareholders?, Master's Thesis, Vytauto Didžiojo universiteta.
- Khamidullina, Yekaterina (2016). Application of Shareholders' Agreements: What Lessons Can be Learned by Kazakhstan from US, LL.M Short Thesis for Course of Legal Aspects of Corporate Finance, Central European University.
- Molano-León, Ricardo (2006). Shareholders' Agreements in Close Corporations and their Enforcement, LL.M Thesis and Essays.89, University of Georgia School of Law.

